

بررسی تاثیر دینداری درونی و بیرونی بر انسجام ملی (مطالعه موردی: شهروندان شهر مشهد)*

سیدمرتضی نوعی باغبان^۱ * سیدعلیرضا آقاحسینی^۲ * سیدجواد امام جمعه‌زاده^۳

چکیده

ایجاد انسجام ملی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی همبستگی اجتماعی، از جمله دغدغه‌های جدی کشورهای مستقل بوده و از مهم‌ترین فواید آن، برقراری امنیت ملی است که ارتباط عمیقی با چگونگی پیوند مردم با یکدیگر و مردم با حاکمیت، در قالب انسجام‌سازی درون یک کشور دارد. امروزه بازنشاسی و بازسازی عوامل کانونی مؤلفه‌های پویا و پایدار «انسجام ملی»، یک ضرورت علمی و الزام پژوهشی است. در این راستا، یکی از عوامل تأثیر گذار بر انسجام ملی در ایران، میزان دینداری موجود در شهروندان جامعه است. این مقاله تلاش دارد ارتباط نظری بین دو مفهوم انسجام ملی و دینداری را در بین شهروندان شهر مشهد، واکاوی کند. پژوهش حاضر با تقسیم دینداری به دو نوع درونی و بیرونی و با استفاده از روش پیمایشی، نشان می‌دهد که افزایش دینداری درونی باعث افزایش میزان انسجام ملی شهروندان می‌شود، این در حالی است که دینداری بیرونی رابطه معناداری با انسجام ملی ندارد.

واژگان کلیدی: دینداری، انسجام فرهنگی، انسجام تاریخی، انسجام سیاسی و انسجام جغرافیایی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره چهاردهم • بهار ۹۴ • صص ۱۸۳-۱۶۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۸/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۱۳

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (noie1364@yahoo.com).
۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول (alireza.aghahosseini@gmail.com).
۳. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (javademam@yahoo.com).

مقدمه

انسجام ملی یکی از مفاهیم اصلی و ابزارهای مهم تحلیلی در جامعه‌شناسی به شمار می‌رود که مورد توجه دائمی نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر علوم اجتماعی و پژوهشگران این حوزه بوده و به این دلیل رویکردها و پژوهش‌های متعددی در خصوص آن مطرح شده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، انسجام پدیده‌ای است که براساس آن در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰). انسجام و یکپارچگی به معنای داخل شدن افراد در یک محیط ملی - فرهنگی و تعلق نسبت به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و شرایط اجتماعی آن محیط ملی است. از بعد محتوای وجدانی نیز، انسجام به مفهوم جذب در ارزش‌ها و هنجارهای ملی است. با جذب فرد در محیط ملی، تعهداتی را در برابر محیطش به‌عنوان عنصری همبسته و مسئول می‌پذیرد (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۰). در واقع انسجام دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد، به عبارت دیگر، «انسجام در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۴: ۱۴). به‌طور کلی، انسجام ملی در بردارنده گونه‌ای از همبستگی اجتماعی است که به واسطه آن مناسبات اجتماعی و اهداف فراروی، سامان می‌یابند و این پدیده اجتماعی در زمینه و بستری سیال و دگرگون شونده و گاه ناخواسته و خارج از اراده حاکمیت‌ها، جریان دارد. کشورهای مستحکم از نظر انسجام ملی آنهایی هستند که توانسته‌اند از عوامل انسجام‌دهنده موجود در خود، به نحو مؤثری استفاده کنند.

در شکل‌گیری انسجام ملی یک کشور عوامل بسیاری مانند شرایط تاریخی، جغرافیایی، ساختار اقتصادی - اجتماعی، سنت‌های سیاسی، آداب و رسوم و جامعه‌پذیری سیاسی دخالت دارند که تأثیرگذاری هر یک از عوامل مزبور در جوامع گوناگون متغیر است. با وجود این، در جامعه ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر انسجام ملی، دینداری است. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که جامعه بشری به خود دیده، مفهوم دینداری و

باورهای مذهبی است. در واقع دینداری عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. دینداری، نظام عملی مبتنی بر اعتقاداتی است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال شده و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهاست که با هم پیوند دارند و یک احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بیند (آرین، ۱۳۷۸: ۱۸). دین سنگ بنای سامان اجتماعی و منبعی برای ارزش‌های اجتماعی است و بر گزینش‌های فردی و بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و همچنین به‌عنوان تجلی روح جمعی و عامل همبستگی و یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود.

در جامعه‌ای نظیر ایران - که نهاد دین به‌عنوان یک مؤلفه مهم زندگی جمعی ایفای نقش می‌کند - می‌توان اهمیت نقش دین و مذهب را در شکل‌گیری، تداوم و تکوین انسجام ملی کاملاً منحصر به فرد و متمایز دانست. نهاد دین در محتوای جامعه ایران علاوه بر استحکام و تثبیت در ذهنیت و گرایش‌های عمومی جامعه، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی از جمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و غیره است. در حالی که شواهد متعدد در سطح جهانی و در بین ادیان مختلف، بیانگر آن است که مذهب موتور مولد انسجام اجتماعی است، سؤالات متنوعی همچنان در مورد دامنه، جایگاه و ماهیت تأثیر مذهب بر انسجام ملی در بسترهای اجتماعی مختلف وجود دارد. علاوه بر این، بررسی مطالعات انجام شده درباره انسجام ملی و همچنین دینداری در ایران نشان می‌دهد که تأثیر دینداری بر متغیر انسجام ملی در یک پژوهش به‌طور خاص بررسی نشده و سازوکار ارتباط دقیق این دو متغیر و ابعاد آن با یکدیگر مشخص نیست. اهمیت این رابطه و به‌ویژه نقش تعیین‌کننده‌ای که دین در جامعه ایران ایفا می‌کند، ایجاب می‌کند که در یک پژوهش مستقل، رابطه این دو متغیر مورد تحلیل عمیق‌تر قرار گیرد. با توجه به این موارد، مقاله حاضر به بررسی نقش دینداری در انسجام ملی در بین شهروندان مشهد می‌پردازد. در این راستا اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. سنجش میزان دینداری درونی و بیرونی در بین شهروندان شهر مشهد، ۲. سنجش میزان ابعاد و شاخص‌های انسجام ملی در بین شهروندان شهر مشهد و ۳. بررسی تأثیر دینداری درونی و بیرونی بر انسجام ملی در بین

شهروندان شهر مشهد.

۱. ادبیات نظری

مفهوم انسجام ملی از موضوعات اساسی تئوری‌های ساختی - کارکردی در جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. از دیدگاه نظریه ساختی-کارکردی، انسجام پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و ایجاد و گسترش زمینه‌های وفاق و انسجام ملی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می‌آورد. به هم پیوستگی ملی ضامن ثبات سازمان اجتماعی قلمداد می‌شود. هر قدر اعضای یک جامعه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر، یا به حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند (آبراهامز، ۱۳۶۹: ۱۹۶). انسجام ملی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی جامعه را تعیین کند. هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد، افراد را به سوی هم متمایل تر کرده و بر میزان روابط متقابل میان آنان، می‌افزاید و برعکس هر چه میزان همبستگی کمتر باشد، از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳).

در این راستا، برویکر^۱ (۲۰۱۱) استدلال می‌کند که چهار شیوه مختلف در مورد رابطه بین دین و ناسیونالیسم وجود دارد: رویکرد اول، مذهب و ناسیونالیسم را به‌عنوان پدیده‌هایی مشابه و یکسان در نظر می‌گیرد. رویکرد دوم، به شیوه‌هایی می‌پردازد که بر اساس آن مذهب در تبیین ناسیونالیسم کمک می‌کند. رویکرد سوم به مذهب به‌عنوان بخشی از ناسیونالیسم می‌نگرد و شیوه‌های رسوخ و در هم پیچیدن این دو پدیده را توضیح می‌دهد. سرانجام رویکرد چهارم، به ناسیونالیسم به‌عنوان شکلی از مذهب می‌نگرد. برویکر نتیجه می‌گیرد که ناسیونالیسم عمدتاً به‌عنوان یک پدیده کاملاً سکولار، محسوب می‌شود. البته به نظر می‌رسد پژوهش برویکر ماهیتی تاریخی - تحلیلی دارد که یافته‌های آن به طور عمده منشعب از جهان ماتریالیستی و سکولار غرب است و چنین تحلیل‌هایی را نمی‌توان به شکلی جزئی در بستر مردم جهان اسلام و مخصوصاً ایران تعمیم داد.

انسجام ملی به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص، پدید می‌آید. انسجام ملی، بیانگر وابستگی متقابل ساختاری میان افرادی است که بر

1. Brubaker

پایه محوریت فرهنگ، حول محور باورها و اعمال مشترکی گرد هم آمده‌اند. انسجام ملی در این چارچوب به معنای «حضور فیزیکی هم‌زمان مجموعه‌ای از افراد»، «احساس عاطفی مشترک» و «اشتراک در توجه و آگاهی متقابل» است که در قالب عناصری مانند پیوندهای احساسی مشترک، فعالیت، تعامل و عناصر هنجاری اشتراکی قابل درک است (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲). انسجام ملی بیش از هر عاملی به عنصر فرهنگی ارزش‌ها و هنجارها بستگی دارد. نظام ارزش‌ها و هنجارها، نظام‌بخش و انسجام‌دهنده جامعه است، چراکه پیوند جامعه و ساختمان اجتماع، بر مصالح ارزش‌ها پی‌ریزی شده و گسست و ناپیوستگی جامعه نیز به دلیل ناسازگاری ارزش‌های جامعه با یکدیگر است. اگر نظام ارزشی جامعه چون نظام اندام‌واره با هم سازگار، هماهنگ و منسجم باشد، جامعه متحد و منسجم خواهد بود. ویژگی‌های دنیای جدید از جمله جهانی‌شدن، حاکمیت فراملی، جنبش‌های فرامرزی و بسیاری دیگر از عوامل اثرگذار، بحث انسجام ملی را به مخاطره انداخته است.

دین در همه زمان‌ها و جوامع، از ابتدایی تا مدرن در اشکال مختلف وجود و حضور داشته است؛ از این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که دین نیازی فطری است که در بعد فردی، پاسخگوی سؤالات غایی انسان و در بعد اجتماعی، سامان‌دهنده یا انسجام‌بخش جامعه است. بدیهی است که دین به‌عنوان ارزشی متعالی باعث به وجود آمدن و شکل‌گیری برخی روحیات و عملکردهایی در زندگی اجتماعی افراد می‌شود که بر هیچ کس پوشیده نیست. شاید مهم‌ترین تبعات جدی دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد آن جامعه باشد.

دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است (آزاد ارمکی و بهار، ۱۳۷۷: ۱۶۰). دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی، از قبیل اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه، حفظ ثبات اجتماعی و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده داشته‌اند. توکویل معتقد است که اعتقادات مذهبی نوعی انضباط اخلاقی در افراد پدید می‌آورد و در جامعه‌ای که انسجام آن مورد تهدید فردگرایی قرار گرفته، می‌تواند باعث همبستگی شود (ویلیم، ۱۳۷۷). افراد جامعه برای رسیدن به اهداف گروهی باید کنش‌های فردی خود را با یکدیگر پیوند دهند و اعتقادات دینی مشترک، همان عوامل نیرومندی است که به واسطه علقه مشترکی که از جهان به افراد

اعطا می‌کند، آنها را یکپارچه‌تر و هماهنگ‌تر می‌کند و باعث همبستگی گروهی بین آنها می‌شود، که رسیدن به اهداف مشترک را برای آنها تسهیل می‌کند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی دارای کارکردهای اساسی مانند انضباط، انسجام، حیات‌بخشی و خوشبختی‌آفرینی است که فقدان آن، بقای جامعه را مخدوش می‌سازد (گیویان، ۱۳۷۷). دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت‌نهایی سامان یافته است. در این مجموعه اعتقادات گزاره‌هایی هستند که صادق تلقی می‌شوند و ناظر بر ماهیت واقعیت متعالی و واکنش مناسب نسبت به آن هستند. اعمال دینی از انجام شعائر دینی تا التزام به یک زندگی اخلاقی، متغیر بوده و احساسات مورد نظر ادیان نیز از احساس خشیت و خضوع تا احساس خوش‌بینی نسبت به زندگی و جهان متغیر هستند (پترسون و دیگران، ۱۳۶۷). دین و باورهای دینی در جامعه‌ای مانند ایران به‌عنوان اصلی‌ترین عاملی که حاکم بر فرهنگ اجتماعی جامعه است، می‌تواند نقشی بسزا در تعریف روابط اجتماعی و ایجاد پایه‌های اعتماد و انسجام و فعالیت‌های مشارکتی در میان مردم به‌ویژه شهروندان داشته باشد.

ایران سرزمین اقوام مختلف و کشوری اسلامی و با شرایط سوق‌الجیشی و بین‌المللی - منطقه‌ای و مسائل داخلی خاص خود است و به شدت مورد توجه بیگانگان قرار دارد که در تلاش هستند با تحریکات قومی و حمایت از سازمان سیاسی قومی، بی‌ثباتی و ناآرامی را در آن به وجود آورند. در این شرایط حفظ نظم و انسجام، از لوازم و ارکان اصلی است؛ اما اعمال آن به تنظیم سیاسی در ابعاد چهارگانه فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه بستگی دارد (چلبی، ۱۳۷۲). چنانچه انسجام و یکپارچگی ملی و اجتماعی متزلزل شود، به تبع آن پایه‌ها و مایه‌های تشکیل و دوام جامعه و دولت تضعیف شده و منابع و مبانی اقتدار و مشروعیت نظام زیر سؤال می‌رود.

در جامعه‌ای مانند ایران که دین در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی حضور دارد و اساس قوانین کشور را شکل داده و فراتر از آن، چشم‌انداز دینی توسعه برای کشور ترسیم شده، دین تأثیرات و کارکردهای بی‌بدیلی در جامعه دارد که بررسی و تبیین آن حائز اهمیت و درخور توجه است. البته باید این مطلب را نیز مد نظر قرار داد که در جوامع غربی که دین به‌عنوان عاملی کاملاً شخصی در انزوای کامل قرار گرفته و تمامی

امور بر اساس قوانین خود ساخته انسانی اداره و هدایت می‌شوند؛ هر چند شاهد رشد بسیار سریع اقتصادی و عمرانی و علمی بوده‌ایم، اما همان‌طور که فرانسیس فوکویاما از آن یاد می‌کند، این کشورها دچار «فروپاشی عظیم» اخلاقی و اجتماعی شده‌اند. ریشه این فروپاشی را باید در رشد فرهنگ فردگرایی و زوال اخلاق جست‌وجو کرد، که به اشکال مختلفی همچون افزایش آمار جرم و جنایت، طلاق، خودکشی، بحران هویتی، بی‌تفاوتی اجتماعی، جریانات ضد اخلاقی، فروپاشی خانواده‌ها، از بین رفتن پیوندهای اجتماعی و صدها معضل دیگر خود را نشان داده است.

در زمینه شکل‌گیری و تکوین انسجام ملی، بررسی دین و فرهنگ دینی بیش از هر مورد دیگری مورد نیاز است. دین با فراهم کردن حدود و حریم خود و ارائه الگوی مناسب برای تعامل با دیگران، پایگاه و منبعی برای عقاید و باورهای فرد است. دین به‌عنوان نظامی ماورایی و برون‌زاد می‌تواند به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل در شکل‌گیری انسجام و همبستگی ملی در کشورهایی مانند ایران که چشم‌انداز دینی توسعه‌ای دارند، در نظر گرفته شود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳). پارسونز معتقد است: در اسلام زمینه بروز سرمایه اجتماعی به خاطر جهت‌گیری مثبت آن امور دنیایی از جمله جامعه و سیاست و تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی مؤمنان، به مراتب افزون‌تر و قدرتمندتر از ادیان دیگر است. آموزه‌های دین اسلام در انسجام بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون و برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت، تثبیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و... نقش مؤثری ایفا می‌کند.

دین از طریق مناسک و مراسم مذهبی، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۹۳). از دید دورکیم، دین برای نیروهای اجتماعی از طریق مراسم و پیوندهایش، انسجام‌بخش است. همچنین براساس تئوری مناسک، دورکیم معتقد است: افراد از طریق اعمال و آیین‌های مذهبی مشترک، به هم نزدیک شده و نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند. این همدلی و نزدیکی، اطمینان و اعتماد متقابل را ایجاد می‌کند (بهزاد، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۱). در یک بیان کلی، دینداری و شرکت در مراسم و آیین‌های مذهبی می‌تواند موجب ترویج و استحکام عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی شود که تشکیل انسجام

ملی را ترغیب می‌کنند. بسیاری از اصول، مانند درستکاری، صداقت، کمک و محبت به دیگران، در زمره هنجارهای مهم دینی است. این خصوصیات، همگی می‌توانند زمینه تقویت اعتماد اجتماعی را فراهم کنند. از دید مالینوفسکی، مناسک نیرومندترین وسیله یکپارچگی دوباره برای گروهی است که همبستگی آن متزلزل شده و بهترین شیوه ترمیم روحیه تضعیف شده گروه به شمار می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۷). به نظر دیویس، مناسک جمعی دل‌بستگی افراد را به هدف‌های گروهی را تشدید می‌کند و یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند. از دید دورکیم، همه مناسک این کارکرد اجتماعی عمده را دارند که همان حفظ جماعت، تر و تازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است (آرون، ۱۳۸۲).

۲. پیشینه پژوهش

- پژوهش بخشایش (۱۳۹۲) با عنوان «رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان» با هدف بررسی رابطه باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان انجام گرفته است. بدین منظور از میان دانش‌آموزان مقطع چهارم متوسطه شهرستان سیرجان ۳۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده و پرسشنامه‌های استاندارد باورهای اساسی مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت تکمیل شده است. طرح این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بوده است. داده‌ها با شاخص‌های آماری، چون همبستگی پیرسون و آزمون t برای نمونه‌های مستقل تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد: بین باورهای اساسی مذهبی و بحران هویت رابطه منفی معنادار ($r = -0/459$) وجود دارد و باورهای مذهبی با تمام سبک‌های هویت ارتباط معناداری داشته است. بحران هویت با تعهد هویت در افراد رابطه منفی معناداری نشان داد ($r = -0/433$). دانش‌آموزان دختر و پسر در میزان باورهای مذهبی و بحران هویت از یکدیگر متفاوت نیستند. این پژوهش نیز هر چند به موضوع دینداری و هویت اشاره می‌کند، ولی به بحث تأثیر دینداری بر انسجام ملی اشاره‌ای ندارد.

- مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن، اینترنت و انسجام ملی در ایران مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان» استدلال می‌کنند که وقوع انقلاب صنعتی سوم معروف به انقلاب دیجیتالی در عرصه ارتباطات، سبب وقوع تحولی شد که به جهانی‌شدن معروف است. جهانی‌شدن به معنای نزدیکی دولت‌ها و ملت‌ها به

یکدیگر در عرصه‌های مختلف، دارای پیامدهای سیاسی متفاوتی است که یکی از مناقشه‌آمیزترین آنها در حوزه فرهنگ است. برخی اندیشمندان، جهانی شدن را مساوی با سلطه فرهنگ غرب دانسته‌اند و در مقابل، برخی دیگر آن را فرصتی برای گروه‌های صاحب خرده‌فرهنگ در جوامع چندفرهنگی برای معرفی فرهنگ خود در عرصه جهانی از طریق اینترنت و فناوری‌های نوین ارتباطی، تلقی کرده‌اند. جامعه ایران نیز به دلیل زندگی گروه‌های صاحب افتراق از نظر زبانی، مذهبی و فرهنگی از چنین آسیبی با توجه به رشد طبقه متوسط جدید، به‌ویژه دانشجویان، و افزایش استفاده از اینترنت از سوی آنها از چنین مصنوعیتی در امان نیست. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با تقسیم میزان مصرف اینترنت به دو سطح میزان و نوع استفاده از آن و اجماع ملی، به سه بعد اجماع فرهنگی، اجماع حقوقی و اجماع سیاسی، رابطه معناداری میان آنها وجود دارد. البته این پژوهش اشاره‌ای به تأثیر دینداری بر نقش آن بر انسجام ملی نمی‌کند.

- سلگی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تأثیر آنها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به‌منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری» به بررسی اثر و نتیجه تعامل هویت فردی و اجتماعی بر هویت ملی می‌پردازد. برای بررسی هویت فردی، ادبیات رسمی علم روان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. در بررسی هویت اجتماعی نیز از میان ابعاد و طبقه‌بندی‌های مختلف هویت اجتماعی، ۳ سطح یا ۳ نوع هویت قومی، هویت دینی و هویت مدرن انتخاب شده است. از سوی دیگر در مطالعه هویت اجتماعی از ادبیات و مبانی نظری علم جامعه‌شناسی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: هویت قومی، بیشترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم را بر انسجام ملی دارد و اصلی‌ترین پشتیبان، مقوم و پیش‌بینی‌کننده انسجام ملی است. اما هویت دینی نیز در رتبه بعد است و این هویت نیز پشتیبان و همساز با انسجام ملی است.

- مفتاح^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «هویت ملی و توسعه دیدگاه‌های اسلامی» استدلال می‌کنند که هویت ملی یکی از خواست‌های مردم تمام جوامع است، اما به نظر می‌رسد که این امر نمی‌تواند به راحتی به دست آید و حتی در صورت ایجاد وحدت ملی در بسیاری از موارد آن، به راحتی در هم می‌شکند و پروژه ایجاد اجماع ملی با

1. Meftah

شکست روبه‌رو می‌شود.

- کینوال^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن و ناسیونالیسم دینی: هویت و جست‌وجوی امنیت اونتولوژیک» استدلال می‌کند که جهانی‌شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ باعث شده است افراد و گروه‌ها به لحاظ هستی‌شناختی احساس ناامنی فزاینده‌ای داشته باشند. یکی از پاسخ‌هایی که افراد مختلف جهت مقابله با این احساس ناامنی اتخاذ کرده‌اند، بنابراین آنها سعی کرده‌اند تا پیوندهای خود را با گروه‌های همسان تشدید دهند تا قادر شوند احساس اضطراب و ناامنی را در وجود خود کاهش دهند. ترکیب هویت دینی و ناسیونالیسم پاسخی قدرتمند در این راستاست که باعث می‌شود به هنگام گسترش تغییرات مکرر و مبهم شدن آینده، افراد احساس امنیت بیشتری کرده و از یکپارچگی و انسجام بیشتری برخوردار شوند.

- اسمیت^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «مذهب: ناسیونالیسم و هویت» استدلال می‌کند که دیدگاه مرسوم درباره ارتباط بین ناسیونالیسم و مذهب امری در حال تحول است: ناسیونالیسم با مذهب مخالفت می‌کند و هویت‌های دینی باید جایگزین وابستگی‌های دینی شوند. اما قیام‌های اخیر با محتوای دینی باعث شده برخی از محققان، مذهب و ناسیونالیسم را به عنوان متحدان طبیعی بنگرند. این در حالی است که برخی پژوهشگران دیگر، ناسیونالیسم را به عنوان آیین سیاسی جدیدی می‌نگرند که به رقابت با مذاهب سنتی می‌پردازد. هر کدام از این دیدگاه‌ها برای تأیید نظریات خود از برخی از حمایت‌های تجربی هم برخوردار هستند. اما در صورتی که از رهیافتی وسیع‌تر - رویکرد دورکیمی - استفاده کنیم، باید گفت: او ناسیونالیسم را به عنوان یک جنبش ایدئولوژیک جهت نیل به استقلال، وحدت و یکپارچگی تعریف می‌کند. ناسیونالیسم می‌تواند به عنوان یک رقیب جدی برای مذاهب سنتی در نظر گرفته شود. این پژوهش نیز عمدتاً تعریفی مکانیکی و دورکیمی از مذهب ارائه می‌دهد که معتقد است: کارکرد زیادی در جهان امروز ندارد. این در حالی است که پژوهش حاضر به دینداری به عنوان پدیده‌ای الهی می‌نگرد و استدلال می‌شود که از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است، به این معنا که انسان مستقل از هر گونه یادگیری در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس

-
1. Kinnvall
 2. Smith

می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی در اعمال و رفتار دینی آشکار می‌گردد و به طور کلی رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله «هویت دینی» قابل تبیین و توضیح است. بنابراین به نظر می‌رسد هر چند هم در حوزه نظری و هم در حوزه تجربی یافته‌های پژوهشگران نشان‌دهنده و بیانگر وجود رابطه مثبت، هم افزار یا حداقل نبود تقابل و تضاد بین دینداری و انسجام ملی است، اما پژوهش خاصی در مورد انسجام ملی و تأثیر مستقیم دینداری بر روی آن صورت نگرفته است. بدین ترتیب این پژوهش قصد دارد برای اولین بار با تقسیم دینداری به دو بخش درونی و بیرونی و تقسیم انسجام ملی به پنج بعد تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، به بررسی نقش دینداری بر میزان انسجام ملی در بین شهروندان شهر مشهد بپردازد.

علت تأکید این پژوهش بر دینداری آن است، که دینداری از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی پشتیبانی می‌کند و جهت‌دهنده و مظهر قدرت جامعه و انسان، بسترساز ارتباطات انسانی و موجب ثبات، انسجام و همبستگی جامعه است. از سوی دیگر دین ارزش‌ها را می‌آفریند و هنجارها را شکل می‌دهد به ارزش‌های ثابت اخلاقی، قداست می‌بخشد، زندگی انسان از آن معنا می‌گیرد و راهنمای مؤثری برای هدایت انسان‌هاست. دین کارکردهای مختلفی را برای جامعه و فرد به انجام می‌رساند. دین برای جامعه معنایی از اجتماع و اجماع را به وجود می‌آورد و آن را تحکیم می‌بخشد؛ رفتارهای ضداجتماعی را منع کرده و راه‌هایی را برای انسجام دوباره پیشنهاد می‌کند. سنجش دینداری و ارزش‌های دینی یکی از مسائل چالش‌برانگیز و مورد توجه پژوهشگران حوزه دین و ارزش‌هاست، که وجود ادیان و ارزش‌های گوناگون نیز بر دشواری این موضوع افزوده است. وجود مقیاس‌های متفاوت برای سنجش، دلیلی بر این ادعاست.

اهمیت پژوهش‌های انجام شده در حوزه دین و ارزش‌های اجتماعی از آن روست که جامعه ما در مرحله گذار به مرحله صنعتی قرار دارد و از نوعی دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی افراد رنج می‌برد که این امر در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد، به‌ویژه جوانان، بی‌تأثیر نبوده است. از طرف دیگر، دین با جنبه‌های گوناگون زندگی مردم جامعه ما هم در آمیخته است و می‌توان تأثیر آن را در همه جوانب دید. به لحاظ دیگر اینکه کشور ما در حال حاضر به شکل یک حکومت دینی اداره می‌شود که ترکیب دین و ارزش‌ها و سیاست می‌تواند تأثیرات زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم، به‌ویژه نسل جوان بگذارد.

امروزه، نهادهای جدیدی مانند مدارس، رسانه‌های جمعی، دانشگاه‌ها و... در کنار نهاد قدیمی خانواده هر یک ارزشی خاص را اشاعه می‌دهند و این امر سبب نامتجانسی و زیر سؤال رفتن انسجام ملی جامعه شده و افراد جدیدی هم که وارد این جامعه می‌شوند، در معرض تغییر قرار دارند و ایده‌هایشان متفاوت با ایده‌های نسل قبل می‌شود. بنابراین با توجه به موارد فوق، ضروری است به بررسی پدیده دینداری و تأثیر آن بر انسجام ملی پرداخت، چراکه به نظر می‌رسد سنجش دینداری می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر انسجام ملی را تبیین کند. این پژوهش سعی دارد این خلأ موجود در این زمینه را پر نماید. فرضیه‌های مورد بررسی در این مقاله عبارتند از:

۱. بین دینداری درونی و میزان انسجام ملی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
۲. بین دینداری بیرونی و میزان انسجام ملی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
۳. بین دینداری (مجموع دینداری درونی و بیرونی) و میزان انسجام ملی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی، روش پیمایشی است. جامعه آماری، شامل کلیه شهروندان شهر مشهد از تمامی مناطق در سال تحصیلی در سال ۱۳۹۳ بوده است. حجم نمونه ۴۲۰ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. بدین شیوه که ۴۲۰ نفر به‌عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش ۴۰۵ پرسشنامه باقی ماند.

- پرسشنامه دینداری آلپورت: آلپورت بر آن است که احساسات دینی نه ماهیتی صرفاً عقلانی دارند و نه کاملاً غیرعقلانی، بلکه بیشتر تلفیقی از احساس و تفکر منطقی است. در واقع دینداری، فلسفه‌ای از زندگی برای فرد ارائه می‌کند که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد، بلکه به لحاظ احساسی و هیجانی نیز ارضاکننده است. بنابراین، آلپورت نتیجه می‌گیرد که تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهان‌بینی برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند که هم سادگی منطقی دارد و هم زیبایی هارمونیک. در راستای چنین هدفی، آلپورت و راس به ابداع دو مقیاس جهت‌گیری دینی پرداختند. مقیاس «دینداری بیرونی»، با هدف ارزیابی آنچه آلپورت قبلاً با عنوان دینداری نابالغانه شرح داده بود، طرح‌ریزی شد. افراد با جهت‌گیری دینداری بیرونی، به لحاظ نظری، دارای باورهایی دینی هستند که فقط اهدافی اجرایی

دارند. با چنین انگیزه‌ای، دین ابزار ارضای نیازهای اولیه فرد خواهد بود. به عبارت دیگر، به تعبیر متألّهانه دیندار «بیرونی» به سمت خداوند می‌رود، بدون آنکه خود را فراموش کند (Allport & Ross, 1967: 434). شواهد جهت‌گیری دینداری بیرونی احتمالاً زمانی آشکار می‌شود که فرد با چنین جملاتی موافق باشد: «مسجد مکان مناسبی برای شکل‌گیری روابط خوب اجتماعی است» یا «آنچه دین برای فرد دارد، آرامشی است که هنگام غم، بدبختی و مصیبت بر فرد حاکم می‌شود». یا جمله‌ای نظیر «یکی از دلایلی که عضو کلیسا شده‌ام، این است که این عضویت به تثبیت فرد در جامعه کمک می‌کند». در تمامی این جملات و دیگر مواد مقیاس دینداری بیرونی، دین در واقع به صورت ابزاری برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های برتر از دین انگاشته شده، همچون مقابله با مشکلات و یا پیشرفت در زندگی. در حقیقت ماهیت یک انگیزه دینداری بیرونی ممکن است در موادی چون «اگر چه به دینم معتقدم، اما احساس می‌کنم چیزهای با اهمیت بیشتری نیز در زندگی وجود دارد» خود را نشان می‌دهند. دینداری بیرونی ابعاد غیرروحانی و سکولار زندگی را برای فرد، مقدم‌تر از ابعاد روحانی و الهی آن می‌نماید. مقیاس «دینداری درونی» برای ارزیابی ایمان بالغانه طراحی شده است. در این جهت‌گیری، دین کنش‌وری خودمختار و مستقّلی می‌یابد و انگیزه برتر می‌شود. برای اشخاصی که دارای دینداری درونی هستند، نیازهای غیردینی هرچقدر هم که مهم باشد، اهمیت غایی کمتری دارند. این افراد سعی می‌کنند تا آنجا که ممکن است، این نیازها را با باورها و تکالیف دینی خود هماهنگ سازند. معتقد بودن به یک آیین، فرد را برای درونی‌ساختن و پیروی کامل از آن برمی‌انگیزد. افراد با چنین انگیزه‌ای از دینشان استفاده نمی‌کنند، بلکه با آن زندگی می‌کنند (Ibid). مقیاس دینداری درونی موادی اینچنین دارد: «برایم مهم است که بخشی از وقتم را در تنهایی به تفکر و تأمل درباره باورهای دینی خود بگذرانم» یا «با جدیت تلاش می‌کنم دینم را با تمام رفتارهای زندگیم همراه کنم» و یا «باورهای دینی‌ام در واقع زیربنای اصلی روش من در زندگی هستند». بنابراین در ایمان درونی، ابعاد روحانی اولویت پیدا می‌کند و فرد تلاش می‌کند جنبه‌های غیرالهی و سکولار زندگی را با ایمان خود سازگار کند.

- پرسشنامه محقق‌ساخته انسجام ملی: این پرسشنامه شامل ۳۶ گویه در مورد انسجام ملی و ابعاد آن یعنی انسجام ملی جغرافیایی، انسجام ملی تاریخی، انسجام ملی سیاسی و انسجام ملی فرهنگی است. البته این پرسشنامه دارای ابعاد فرعی نیز هست. گویه‌ها بسته

پاسخ هستند و بر اساس طیف لیکرت نمره گذاری می شوند. برای هر یک از عامل های این پرسشنامه گویه های متفاوت خواهد شد. هر یک از متغیر های سنجش شده یکی از ابعاد فرعی انسجام ملی را مورد سنجش قرار می دهند. در این پژوهش، پرسشنامه در اختیار متخصصان قرار گرفت و پس از اعمال نظرات آنان و دریافت تأیید، در مرحله بعد به صورت مقدماتی اجرا شد. پایایی ابزار به روش همسانی و با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار ۰/۷ برای هر یک از مؤلفه ها نشان از پایایی قابل قبول آنها بود.

۴. یافته های پژوهش

برای ارزیابی و سنجش متغیر دینداری شهروندان از ابعاد دو گانه (دینداری بیرونی و دینداری درونی) استفاده شده است، این متغیر در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل چهار گزینه ای طراحی شده بود که بعد از جمع زدن گویه های رتبه ای، متغیری فاصله ای به دست آمد، نمره ۳ بیانگر بسیار بالا بودن سطح دینداری و نمره صفر بیانگر بسیار پایین بودن میزان دینداری شهروندان است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و توزیع نمرات شرکت کنندگان در هر یک از ابعاد دینداری

چولگی	کشیدگی	انحراف استاندارد	میانگین	
-۰/۰۸	-۰/۴۴	۰/۵۲	۱/۸۸	دینداری درونی
۰/۳۵	-۰/۰۰	۰/۴۳	۱/۳۳	دینداری بیرونی
۰/۸۳	-۰/۴۷	۰/۳۰	۱/۶۰	دینداری (کل)

با توجه به جدول بالا، می توان عنوان کرد که سطح دینداری درونی شهروندان شهر مورد مطالعه تا حدودی بالاتر از دینداری بیرونی قرار دارد. همچنین یافته ها نشان می دهد که دینداری درونی شهروندان در میان افراد مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط و سطح دینداری بیرونی پایین تر از حد متوسط قرار دارد. این امر نشان می دهد: شهروندان مورد مطالعه در مشهد، بیشتر به سمت دینداری درونی گرایش دارند. در این جهت گیری، دین کنش وری خودمختار و مستقلی می یابد و انگیزه برتر می شود. برای اشخاصی که دارای دینداری درونی هستند، نیازهای غیر دینی هر چقدر هم که مهم باشد، اهمیت غایی کمتری دارند. این افراد سعی می کنند تا آنجا که ممکن است، این نیازها را با باورها و تکالیف دینی خود هماهنگ سازند. معتقد بودن به یک آیین، فرد را برای درونی ساختن و پیروی کامل از آن

برمی‌انگیزد. افراد با چنین انگیزه‌ای از دینشان استفاده نمی‌کنند، بلکه با آن زندگی می‌کنند.

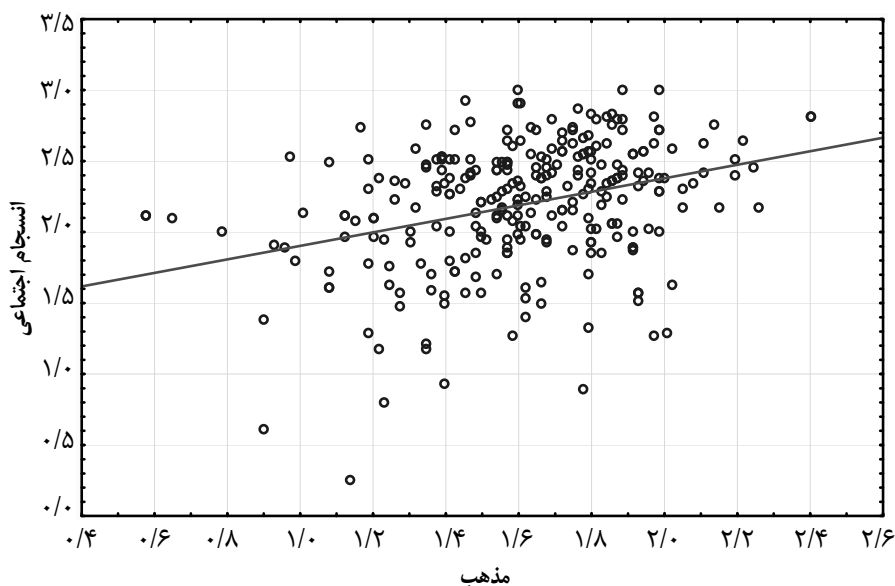
از سوی دیگر برای ارزیابی و سنجش انسجام ملی شهروندان از ابعاد چهارگانه (انسجام فرهنگی، انسجام جغرافیایی، انسجام سیاسی و انسجام تاریخی) استفاده شده است. این متغیر در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل پنج گزینه‌ای طراحی شده بود که بعد از جمع زدن گویه‌های رتبه‌ای، متغیری فاصله‌ای به دست آمد، نمره ۳ بیانگر بسیار بالا بودن سطح دینداری و نمره صفر بیانگر بسیار پایین بودن میزان دینداری شهروندان است.

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و توزیع نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از ابعاد انسجام ملی

چولگی	کشیدگی	انحراف استاندارد	میانگین	
۱/۰۶	-۰/۹۴	۰/۵۱	۴/۳۰	انسجام فرهنگی
۰/۴۸	-۰/۸۳	۰/۵۱	۲/۳۴	انسجام جغرافیایی
-۰/۱۲	-۰/۱۹	۰/۵۹	۱/۸۰	انسجام سیاسی
۰/۵۱	-۰/۹۱	۰/۶۲	۲/۲۳	انسجام تاریخی
۱/۳۸	-۰/۹۲	۰/۴۴	۲/۱۸	انسجام ملی

با توجه به جدول بالا می‌توان چنین عنوان کرد که سطح انسجام ملی شهروندان شهر مورد مطالعه تقریباً بالاست. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که انسجام ملی جغرافیایی شهروندان در میان افراد مورد مطالعه بالاترین و سطح انسجام ملی سیاسی از پایین‌ترین سطح برخوردار است. این امر نشان می‌دهد که شهروندان مشهد نسبت به برخی مؤلفه‌های انسجام ملی، به‌ویژه سرزمین ایران گرایش مثبت نسبتاً بالا داشته، ولی نسبت به مؤلفه سیاسی آن یعنی دولت بی‌تفاوت‌ترند. در یک جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت: در مشهد افرادی زندگی می‌کنند که خود را ایرانی می‌دانند و به ایرانیت خویش می‌بالند. این مردم نظام ارزشی و فرهنگی خود را از انسجام ملی می‌جویند. آنان توسط زبان فارسی با یکدیگر مرادبه دارند و بر آن به‌عنوان وجه مشترکی میان اقوامی که به زبان‌های مختلف مادری تکلم می‌کنند، ارجح می‌گذارند. هدف این قوم کسب ترقی و پیشرفت در سایه انسجام ملی است.

۱-۴. آزمون فرضیه پژوهش



برای بررسی رابطه همبستگی ساده بین متغیرهای پژوهش، از نمودار پراکنش ساده استفاده شده است. همانطور که خط همبستگی آمده در نمودار نشان می‌دهد، همراه با افزایش میزان دینداری کل (مجموع دینداری درونی و بیرونی)، میزان انسجام ملی آنها نیز افزایش یافته است و برعکس افرادی که از میزان دینداری پایین تری برخوردار، هستند از میزان انسجام ملی کمتری برخوردار هستند.

جدول ۳. نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه دینداری با انسجام ملی

همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای استاندارد برآورد
۰/۳۷	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۴۰

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۳۷ است که نشان می‌دهد: بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (انسجام ملی) همبستگی متوسطی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین که برابر با ۰/۱۳ است، نشان می‌دهد که ۱۳ درصد از کل تغییرات انسجام ملی در بین شهروندان مشهدی وابسته به ۲ متغیر مستقل ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر مجموعه متغیرهای مستقل درصد

نسبتاً کمی از واریانس متغیر انسجام ملی را پیش‌بینی و برآورد می‌کنند.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس مدل پژوهش

معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۰	۲۲/۰۵	۳/۷۰	۲	۷/۴۰	رگرسیون
		۰/۱۶	۲۷۳	۴۵/۷۹	باقیمانده
			۲۷۵	۵۳/۱۹	کل

از سوی دیگر با توجه به اینکه معناداری مقدار آزمون f در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۲ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته، مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات انسجام ملی را تبیین کنند.

جدول ۵. ضرایب تأثیر رگرسیونی ابعاد دینداری بر انسجام ملی

معناداری	t	ضریب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد		
			Std. Error	B	
۰/۰۰	۱۰/۹۳		۰/۱۳	۱/۴۶	عدد ثابت
۰/۰۹	۱/۶۶	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۰	دینداری بیرونی
۰/۰۰	۶/۶۳	۰/۳۸	۰/۰۴	۰/۳۱	دینداری درونی

جدول بالا ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته (انسجام ملی) را مشخص می‌کند. بنابراین می‌توان با استفاده از آن، سهم نسبی هر متغیر مستقل را در مدل مشخص کرد. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد: تنها تأثیر دینداری درونی بر انسجام ملی معنادار است، چراکه سطح خطای مقدار t آنها کمتر از ۰/۰۵ است. این امر نشان می‌دهد که متغیر مذکور بر متغیر انسجام ملی تأثیر داشته است. دیگر اینکه متغیر دینداری درونی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۸ تأثیر بیشتری را روی انسجام ملی داشته است. این امر نشان می‌دهد که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر دینداری درونی، میزان انسجام ملی در فرد به میزان ۰/۳۸ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسئله انسجام و همبستگی میان اجزای متفرق و ایجاد کلیت‌های سازوار همواره موضوع توجه، اندیشه‌ورزی و عمل متفکران بوده است. در این میان ایجاد انسجام ملی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی همبستگی اجتماعی از جمله دغدغه‌های جدی کشورهای مستقل بوده و از مهم‌ترین فوائد آن، برقراری امنیت ملی است که ارتباط عمیقی با چگونگی پیوند مردم با یکدیگر و مردم با حاکمیت در قالب انسجام‌سازی درون یک کشور دارد. امواج تحولات درونی و بیرونی به قدری تحول‌ساز شده است که دستیابی به مؤلفه‌ها و عناصر انسجام بخش در مناسبات اجتماعی، یک فوریت و ضرورت انکارناپذیر است. از این رو، امروزه بازشناسی و بازسازی عوامل کانونی مؤلفه‌های پویا و پایدار «انسجام ملی» یک ضرورت علمی و الزام پژوهشی است. حجم ادبیات تولید شده در این موضوع و اقداماتی که در این حوزه صورت گرفته، خود بیش از هر چیز دلیل اهمیت موضوع است. انسجام ملی یکی از مفاهیم اصلی و ابزارهای مهم تحلیلی در جامعه‌شناسی به شمار می‌آید که مورد توجه دائمی نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر علوم اجتماعی و پژوهشگران این حوزه بوده و به این دلیل رویکردها و نظریه‌های متعددی درباره آن مطرح شده است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، این مفهوم در بررسی‌های جامعه‌شناختی جامعه ایران کمتر مورد بررسی تجربی قرار گرفته و در مقایسه با سایر مفاهیم تحلیلی، ادبیات اندکی را به خود اختصاص داده است. به‌ویژه آنکه در خصوص بررسی تجربی عوامل دینی مؤثر بر همبستگی ملی نیز تلاش چندانی صورت نگرفته تا از طریق آنها بتوان به ارزیابی و نقد سهم و میزان تأثیرگذاری مثبت و منفی واقعیت‌های مهم اجتماعی بر میزان همبستگی اجتماعی پرداخت. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار بر انسجام ملی در ایران، نگرش‌های دینی و مذهبی شهروندان جامعه است.

این پژوهش تلاش داشت تا ارتباط نظری بین دو مفهوم انسجام ملی و دینداری را واکاوی کند. در این راستا، از آنجایی که متغیر ملاک چند مقوله‌ای و فاصله‌ای است، از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد تا نظر شهروندان مورد بررسی در مورد انسجام ملی مدل‌یابی شود. در این مطالعه متغیرهای پیش‌بین عبارتند از: دینداری درونی و دینداری بیرونی که در آن نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده سطوح بیشتر است. نتایج تحلیل رگرسیون از طریق آزمون F نشان داد که مدل مبتنی بر ۲ متغیر پیش‌بین در مقایسه با مدل منحصر به

مقدار ثابت به گونه معناداری به پیش‌بینی بهتر منجر می‌شود. از سوی دیگر ضریب تعیین تحقیق نشان می‌دهد که مدل پژوهش ۱۳ درصد از واریانس انسجام ملی را تبیین می‌کند. موفقیت پیش‌بینی در مورد افرادی که برای ساخت مدل مورد استفاده قرار گرفتند کمابیش بالا بود. با توجه به آزمون انجام گرفته، متغیر پیش‌بین دینداری درونی به لحاظ آماری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای انسجام ملی است. در این راستا، مقدار ضریب استاندارد مربوط به متغیر دینداری درونی ۰/۳۸ است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که افزایش دینداری درونی باعث افزایش میزان انسجام ملی شهروندان می‌شود، درحالی‌که دینداری بیرونی رابطه معناداری با انسجام ملی ندارد.

Archive of SID

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آبراهامز، جی‌اچ (۱۳۶۹). مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، جلد اول، تهران: انتشارات چاپخش.
۲. آرون، ریمون (۱۳۸۲). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۳. آریز، خدیجه (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. آزاد ارمکی، تقی و مهری بهار (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی، تهران: نشر جهاد.
۵. افروغ، عماد (۱۳۷۴). «خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی»، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. بخشایش، علیرضا (۱۳۹۲). «رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان»، مطالعات ملی.
۷. بهزاد، داوود (۱۳۸۲). بررسی ارتباط بین اجزا، سطوح و ابعاد ساختار اعتماد اجتماعی در بین خانوارهای ساکن شهرستان سنندج در سال ۱۳۸۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۸. بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۹. پترسون و دیگران (۱۳۶۷). عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
۱۰. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرنديز.
۱۱. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲). مشارکت در شرایط جامعه انومیک، دانشگاه تهران.
۱۲. چلبی، مسعود (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۳.
۱۳. چلبی، مسعود (۱۳۸۳). «درآمدی بر جامعه‌شناسی وفاق»، مجله ناقد، شماره ۳.
۱۴. سلگی، محمد (۱۳۸۹). سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تأثیر آنها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به‌منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۵. کتابی، محمود، محمد گنجی، یعقوب احمدی و رضا معصومی (۱۳۸۳). «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱۷.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۱۷. گیویان، عبدالله (۱۳۷۷). سنجش نگرش مردم تهران راجع به نقش و کارکردهای دین، تهران: شورای فرهنگ عمومی.
۱۸. مسعودنیا حسین، عاطفه فروغی، زهرا صادقی نقدعلی، محمودرضا رهبرقاضی (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن، اینترنت و انسجام ملی در ایران مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان».

مطالعات ملی، شماره ۴.

۱۹. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تیبان.

۲۰. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیبان.

ب) منابع لاتین

1. Allport, G. W & Ross, M. J. (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 5: 432-443 .
2. Brubaker, R. (2011) "Religion and Nationalism: Four Approaches", *Nations and Nationalism*, 18 (1): 2-20 .
3. Kinnvall, C. (2004). "Globalization and Religious Nationalism: Self Identity and the Search for Ontological Security", *Political Psychology*, 25(5).
4. Meftah, J. B. T. (2012). "National Unity and Development from Islamic Point of Views", *Middle-East Journal of Scientific Research*, 12 (6): 767-773 .
5. Smith, A. D. (2001). "Religion: Nationalism and Identity", *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*:13085-13090.